



علی مولودی آوانی

بالمقدمه

دکنر سجاد آیدینلو

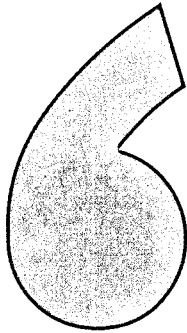
# شماپیل نگاری و روایت های شاهنامه ای

## پیش و پس از فردوسی نویسی



این کتاب به عنوان یکی از آثار ارزشمند و نفیس در زمینه تاریخ ادبیات و فرهنگ ایران باستان، به شما عزیزان تقدیم می‌گردد. امید است که با مطالعه این اثر، به شناخت عمیق‌تری از دنیای پهلوانان و روایت‌های شاهنامه ای دست یابید. این کتاب به زحمات و تلاش‌های بی‌شمار نویسندگان عزیز و به ویژه دکتر سجاد آیدینلو و علی مولودی آوانی تقدیم می‌گردد. امید است که این اثر به شما عزیزان در شناخت عمیق‌تری از دنیای پهلوانان و روایت‌های شاهنامه ای دست یابد.





شمايل نگاري

روايت‌هاي شاهنامه‌اي

پيش و پس از فردوسي توسي

علي مولودي آراني

بهار ۱۴۰۱

سرشناسه مولودی آرائی، علی، ۱۳۶۸-  
عنوان و نام پدیدآور روایت تصویری حماسه ملی ایران: بر اساس مواد فرهنگی سده‌های ۸-۶ هجری قمری/۱۴-۱۲ میلادی با تأکید بر روایت فریدون/ علی مولودی آرائی.

مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
عنوان دیگر  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی  
اطلاعات ریکورد کتابشناسی

افغان: نشر خاموش، ۱۴۰۰.  
۳۷۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۲-۶۹-۰  
فیبا  
بر اساس مواد فرهنگی سده‌های ۸-۶ هجری قمری/۱۴-۱۲ میلادی با تأکید بر روایت فریدون.  
فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۶۲۱۶ ق. شاهنامه -- نقاشی‌ها، مینیاتورها و غیره  
Paintings, Miniatures, etc -- Shahnameh.  
Ferdowsi, Abolqasem.  
شاهنامه در هنر  
Shahnameh in art  
ND۳۳۹۹  
۷۲۵/۶۷۰۹۵۵  
۷۸۹۴۳۰  
فیبا

شمایل نگاری روایت‌های شاهنامه‌ای پیش و پس از فردوسی توسی



علی مولودی آرائی

نشر خاموش

طرح جلد و صفحه آرائی: مجتبی مجلسی

چاپ و صحافی: نقطه

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۲-۶۹-۰

قیمت: ۱۹۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است

ارتباط با نشر خاموش: [www.khamooshbook.ir](http://www.khamooshbook.ir)

۰۲۱۲۲۳۵۷۰۰۳ | ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴

میدان کاج، بلوار سعادت‌آباد، کوچه هشتم (یعقوبی)، بعد از چهارراه اول، پلاک ۵

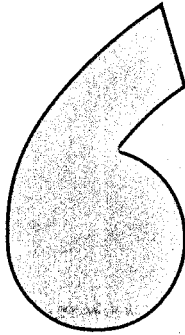
طبقه اول، واحد ۲

تقديم به

بهرام بیضایی

و شاهرخ مسکوب

که شور شاهنامه و ایران را در نهاد من برافروختند.



# فهرست

مقدمه دکتر آیدنلو.....	۱۳
درآمد.....	۱۷
فصل یکم: مروری بر ادبیات پژوهش.....	۳۱
مقدمه.....	۳۳
۱-۱- تعریف مفاهیم بنیادین پژوهش.....	۳۴
۱-۱-۱- اسطوره.....	۳۴
۱-۱-۲- حماسه.....	۳۶
۱-۱-۳- حماسه ملی.....	۳۹
۲-۱- پیشینه پژوهش.....	۴۳
فصل دوم: نقوش شاهنامه‌ای پیشافردوسی.....	۵۹
مقدمه.....	۶۱
۲-۱- مضامین روایت‌های تصویری دوره ساسانی و ابتدای دوران اسلامی.....	۶۴
۲-۲- روایت‌های تصویری شاهنامه‌ای.....	۶۶
۲-۲-۱- پهلوانان.....	۶۶
۲-۲-۱-۱- رستم.....	۶۶
۲-۲-۱-۱- الف- پنجگنت، مجموعه دیوارنگارهای اتاق VI:41.....	۶۷
۲-۲-۱-۲- فرامرز.....	۸۹



- ۸۹.....XXIII/50 مجموعه دیوارنگاره‌های اتاق  
 ۱۰۲.....۲-۲-۱-۲ بیژن  
 ۱۰۲.....۲-۲-۱-۲ الف-سگک‌های طلایی سبیری  
 ۱۰۶.....۲-۲-۲ پادشاهان  
 ۱۰۷.....۲-۲-۲-۱ کیومرث  
 ۱۰۷.....۲-۲-۲-۱ الف-مهرنگاره‌های ساسانی  
 ۱۲۱.....۲-۲-۲-۲ فریدون و ضحاک  
 ۱۲۲.....۲-۲-۲-۲ الف-دیوارنگاره کوه‌خواجه (غابه شهر IV)  
 ۱۲۴.....۲-۲-۲-۲ ب-لوح‌نگاره محوطه دندان اولبیک  
 ۱۲۸.....۲-۲-۲-۲ پ-دیوارنگاره اوست‌روشنه (قلعه قهقهه I)  
 ۱۳۰.....۲-۲-۲-۲ ت-پنجکنت، دیوارنگاره رواق تالار مرکزی پرستشگاه I  
 ۱۳۱.....۲-۲-۲-۲ ث-مهرنگاره‌های ساسانی  
 ۱۳۷.....۲-۲-۲-۳ سیاوش  
 ۱۳۷.....۲-۲-۲-۳ الف-پنجکنت، دیوارنگاره تالار چهارستون پرستشگاه II  
 ۱۴۹.....۲-۲-۲-۳ ب-آمفوری نقاشی شده مرو  
 ۱۵۹.....۲-۲-۲-۳ پ-نقش سوار بر سکه‌های خوارزم  
 ۱۶۵.....۲-۲-۲-۳ ت-استودان‌های انسان‌وار خوارزم  
 ۱۶۹.....۲-۲-۲-۴ بهرام گور  
 ۱۷۰.....۲-۲-۲-۴ الف-روایت بهرام گور و آزاده  
 ۱۸۶.....۲-۲-۲-۴ ب-روایت ربودن توله شیر از یک ماده شیر به دست بهرام گور  
 ۱۹۰.....۲-۲-۲-۴ پ-روایت به هم دوختن شیر و گور با یک تیر به دست بهرام گور

۱۹۵	..... روایت شکار شترمرغ به دست بهرام گور.....
۲۰۱	..... جمع بندی
۲۰۷	..... فصل سوم: نقوش شاهنامه‌ای پسافردوسی
۲۰۹	..... مقدمه
۲۱۱	..... ۱-۳- روایت‌های شاهنامه‌ای بز یافته‌های باستان‌شناختی
۲۱۲	..... ۱-۱-۳- بهرام گور و آزاده
۲۱۳	..... ۱-۱-۳- روایت‌های تصویری
۲۴۰	..... ۱-۱-۲- روایت‌های نوشتاری
۲۴۴	..... ۱-۱-۳- سنجش وابستگی یا عدم وابستگی تصویر به نوشتار
۲۴۹	..... ۱-۲- بیژن
۲۴۹	..... ۱-۲-۱- روایت‌های تصویری
۲۴۹	..... ۱-۲-۱- الف- روایت بیژن و منیژه
۲۶۲	..... ۱-۲-۱- ب- روایت آزادی بیژن به دست رستم
۲۶۳	..... ۱-۲-۲- روایت‌های نوشتاری
۲۶۷	..... ۱-۲-۳- سنجش وابستگی یا عدم وابستگی تصویر به نوشتار
۲۷۲	..... ۱-۳- سیاوش
۲۷۲	..... ۱-۳-۱- روایت‌های تصویری
۲۷۶	..... ۱-۳-۲- روایت‌های نوشتاری
۲۷۸	..... ۱-۳-۳- سنجش وابستگی یا عدم وابستگی تصویر به نوشتار
۲۸۰	..... ۱-۴- فرود
۲۸۰	..... ۱-۴-۱- روایت‌های تصویری

۲۸۲.....	۱-۴-۲- روایت‌های نوشتاری
۲۸۴.....	۱-۴-۳- سنجش وابستگی یا عدم وابستگی تصویر به نوشتار
۲۸۶.....	۱-۳-۱- فریدون
۲۸۶.....	۱-۵-۱-۳- روایت پیروزی فریدون بر ضحاک
۲۸۶.....	۱-۵-۱-۳- الف- روایت‌های تصویری
۳۰۱.....	۱-۵-۱-۳- ب- روایت‌های نوشتاری
۳۰۴.....	۱-۵-۱-۳- پ- سنجش وابستگی یا عدم وابستگی تصویر به نوشتار
۳۰۶.....	۲-۱-۳- روایت فریدون و سه پسرش
۳۰۶.....	۲-۱-۳- الف- روایت‌های تصویری
۳۱۲.....	۲-۱-۳- ب- روایت‌های نوشتاری
۳۱۳.....	۶-۱-۳- ازدهاکش‌ها
۳۱۴.....	۱-۶-۳- روایت‌های تصویری
۳۲۳.....	جمع‌بندی
۳۳۱.....	<b>فصل چهارم: بحث و تحلیل</b>
۳۳۳.....	مقدمه
۳۳۶.....	۱-۴- جستجوی ردپای نقوش شاهنامه‌ای در منابع نوشتاری
۳۵۰.....	۲-۴- ارتباط نقوش شاهنامه‌ای با شاهنامه‌های مصور سده هشتم ق.ه
۳۷۲.....	۳-۴- چرایی گزینش و گستردگی دو الگوی گاو‌سوار گرزدار و شترسوار کماندار
۳۷۳.....	۱-۳-۴- ویژگی‌های منحصربه‌فرد تصویری
۳۷۳.....	۲-۳-۴- نمادهای ستاره‌شناسی

۳۷۶..... فریدون و بهرام گور به عنوان شاه آرمانی

۳۸۶..... الگوی گاو سوار گرزدار به عنوان نمادی آیینی

۳۹۴..... به کار بردن نقوش روایی در بافتی غیرروایی

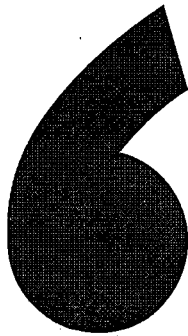
۴۱۰..... نتیجه‌گیری

۴۳۵..... منابع

۴۳۵..... منابع تاریخی

۴۴۱..... پژوهش‌های فارسی

۴۵۲..... پژوهش‌های غیر فارسی



# مقدمه دکتر آیدنلو

به نام خداوند جان و خرد

شاهنامه فردوسی در طول هزار و چهل سالی که از پایان سرایش آن می‌گذرد در جهات متنوع زندگی ایرانیان - از هر طبقه و صنفی - تأثیرات نمایانی داشته است. بررسی دقیق و روشمند گستره نفوذ شاهنامه در تاریخ فرهنگی، ادبی، هنری و اجتماعی ایران یکی از موضوعات کمتر توجه شده مطالعات شاهنامه‌شناختی است که البته به دلیل پیوند با حوزه‌های مختلف فکری و فرهنگی و اجتماعی و... به طور دقیق‌تر جزو پژوهش‌های میان‌رشته‌ای به شمار می‌آید. مقالات، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و معدود کتاب‌هایی که در این باره (یعنی حضور هزار ساله شاهنامه در زندگی ایرانیان) نوشته و چاپ شده یا فقط به بخش‌های مشخص و محدودی از این موضوع بسیار گسترده پرداخته و یا اینکه به لحاظ روش تحقیق، چندان مطلوب و مفید نیست.

خوشبختانه در شهریور ماه سال ۱۳۹۹ در گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران رساله‌ای دکتری با نام روایت تصویری حماسه ملی ایران بر اساس مواد فرهنگی سده‌های ۶-۸ ه.ق، با تأکید بر روایت فریدون دفاع شد که محقق و مولف جوان آن جناب آقای دکتر علی مولودی آرانی (متولد سال ۱۳۶۸) بسیار پخته و پرورده

از عهده کار برآمده بودند و در پژوهشی میان‌رشته‌ای درباره شاهنامه و نگاره‌های باستانی و تاریخی رساله‌ای را تألیف کرده بودند که در قحط‌سال رساله‌های خوب دانشجویی از استثنای اندک‌شمار و ماندگار بود. بنده در آن زمان افتخار مشاوره این رساله عالمانه را داشتم و اکنون که آن رساله در قالب کتابی با نام شمایل‌نگاری روایت‌های شاهنامه‌ای پیش و پس از فردوسی طوسی منتشر می‌شود به فرموده لطف‌آمیز محقق و مؤلف ارجمند جناب دکتر مولودی و ناشر بسیار محترم، سعادت دوباره یافته‌ام تا یادداشتی درباره این کتاب بنویسم.

خوانندگان نکته‌سنج پس از مطالعه این اثر محققانه اذعان خواهند فرمود که کتاب شمایل‌نگاری روایت‌های شاهنامه‌ای دقیقاً مصداق «مُشک آن است که خود ببوید» است و نیازی به یادداشت و معرفی بنده یا همانندان بنده ندارد. در این کتاب سودمند، پژوهنده جوان به بررسی بازتاب تصویری بعضی داستان‌ها و شخصیت‌های به اصطلاح شاهنامه‌ای بر روی سفالینه‌ها، کاشی‌ها، ظروف، ابزار فلزی، پارچه‌ها، دیوارنگاره‌ها و ... در سده‌های ششم تا هشتم هجری پرداخته و به منظور جامعیت تحقیق خویش برخی نگاره‌های بازمانده از عصر ساسانی و قرون نخست تا پنجم هجری و نیز مجالس نسخ شاهنامه را هم به صورت مقایسه‌ای بررسی کرده‌اند.

در این پژوهش، نگاره‌های مختلف رستم، فرامرز، بیژن، گیومرث، فریدون و ضحاک، سیاوش، بهرام گور و فرود به‌دقت گردآوری و بررسی شده و محوریت اصلی بحث بیشتر درباره آثار تصویری دو داستان فریدون و ضحاک و بهرام گور و آزاده است که تنوع و تکراری بیش از اشخاص و داستان‌های دیگر دارند. یکی از نتایج مهم و درست این تحقیق این است که منبع هنرمندان و آفرینندگان گوناگون

نگاره‌های این کسان و روایات بر روی آثار و اشیای مختلف، برخلاف آنچه مشهور شده یا ممکن است پنداشته شود صرفاً و فقط متن شاهنامه فردوسی نبوده است و غیر از نص شاهنامه، تصویرسازان گاهی از روایت‌های دیگر ملی - پهلوانی ایران در سایر منابع (جز از شاهنامه) یا حتی شاید سنت شفاهی بهره‌مند شده‌اند. بر همین اساس است که در نام و مباحث کتاب به درستی از تعبیر «روایت‌های شاهنامه‌ای» استفاده شده است نه «روایت‌های شاهنامه». این موضوع، نکته‌ای است که همواره باید در بررسی انواع تأثیرات شاهنامه در زمینه‌های مختلف فرهنگ و ادب و هنر و زیست ایرانیان مورد توجه باشد که گاهی مأخذ اثرپذیری بعضی هنرمندان یا شاعران لزوماً متن و روایت شاهنامه فردوسی نبوده است و آن‌ها از داستان‌ها و منابع مکتوب یا شفاهی دیگر بهره گرفته‌اند که به سبب محوریت و شهرت شاهنامه اصطلاحاً روایت‌های شاهنامه‌ای نامیده می‌شود.

کتاب آقای دکتر مولودی آرانی از نظر روش، ساختار و محتوا بسیار علمی و محققانه است. ایشان برای تألیف این کار از سیصد و شصت و نه منبع (شامل کتاب، مقاله و مدخل دانشنامه‌ای) استفاده کرده‌اند که از این میان دویست و هفت مأخذ به زبان‌های فارسی و عربی و صد و شصت و دو منبع به چهار زبان انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و روسی است. همت، وسواس و دقت پژوهشی ایشان برای عرضه کاری مطلوب چنان بوده است که جناب دکتر مولودی در دوران دانشجویی و هنگامی که این کتاب را به صورت رساله دکتری خویش آماده می‌کردند برای مطالعات بیشتر و دسترسی به آثار تاریخی و باستانی مربوط به کارشان یک نیم‌سال را در دانشگاه وین اتریش گذرانده‌اند.

کتاب شمایل‌نگاری روایت‌های شاهنامه‌ای تا هنگام نگارش این سطور



(شهریور ماه سال ۱۴۰۰) در حدود آگاهی‌های بنده جامع‌ترین تحقیق مربوط به این موضوع و یکی از عالمانه‌ترین آثار حوزه شاهنامه‌پژوهی در چند سال اخیر است که هم برای علاقه‌مندان و هم برای محققان و متخصصان نکات و مطالب تازه و سودمندی دارد. یک ویژگی مهم و مفید این کتاب تصاویر فراوانی است که محقق گرامی درباره موضوع کارشان با کوشش بسیار گردآورده و با طبقه‌بندی دقیق و توضیحات روشن در اختیار پژوهندگان قرار داده‌اند. در سطر به سطر این کتاب در عین استقصای گسترده در چند صد منبع و ارجاعات متعدد، استقلال قلم و نظر پژوهنده گرامی کاملاً عیان است و این نکته بسیار مهمی است که در آثار پژوهشی کمتر دیده می‌شود. برای دوست جوان و دانشور جناب آقای دکتر علی مولودی آرائی آرزوی تندرستی و موفقیت‌های علمی دارم و امیدوارم با همین همت و دقت و روشمندی، پیوسته در کار تحقیق و نگارش باشند. از نشر محترم خاموش هم بسیار سپاسگزارم که این کتاب ارزشمند و علمی را با کیفیت بسیار خوب چاپ و توزیع کردند. کارشان و راهشان مستدام باد.

سجاد آیدنلو

اورمیّه - شهریور ۱۴۰۰

# درآمد

«روایت» به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از هنر و هویت انسان در بستر تاریخ، اهمیت بسزایی در بررسی‌های ادبی، هنری و اجتماعی دارد. وابستگی تام انسان به ارتباط اجتماعی سبب شده تا در قالب‌های گوناگون به روایت داستان‌های گوناگون بپردازد. جایگاه روایت در پژوهش‌های تاریخی به دلیل پیوند ناگسستنی‌ای است که بسیاری از روایات با مفهوم «گذشته» دارند. حتی در نگاهی موشکافانه‌تر می‌توان تاریخ را مجموعه‌ای از روایت‌های گوناگون دانست که از طرق مختلف به دست پژوهشگر رسیده است؛ روایت‌هایی که مطابقت آن‌ها با واقعیت همیشه محل بحث و جدل بوده است. به دلایل مختلف آشکار است که غالباً روایات انطباق تامی با واقعیات تاریخی ندارند. با وجود این، از دیرباز تلاش بشر بر آن بوده که برای انتقال و مانایی روایت‌ها، آن‌ها را ثابت و حفظ کند. همینجاست که روایات با هویت فرهنگی و قومی اجتماعات انسانی پیوند می‌خورند. بشر در طول تاریخ روایت‌ها و داستان‌ها را نوشته، سینه به سینه منتقل کرده یا در قالب تصویر ثبت کرده است. بدین ترتیب می‌توان گفت روایات در هر دوره‌ای در قالب‌های نوشتاری، شفاهی و تصویری نمود پیدا کرده‌اند.

به دلیل آن که بنیان پژوهش‌های باستان‌شناسی بر بررسی شواهد مادی

نهاده شده، کندوکاو در پشتوانه روایی بسیاری از تصاویر و نوشتارها گریزناپذیر و البته راهگشا است. در پس بسیاری از نگاره‌ها و نوشتارها، پشتوانه‌ای روایی برآمده از داستان‌ها، حکایت‌ها، اسطوره‌ها یا افسانه‌های معاصر آن نهفته است. در پژوهش‌های مرتبط با هنر و تاریخ ایران در دوران اسلامی، به دلیل گستردگی منابع نوشتاری و تصویری باقی‌مانده، می‌توان مواد و منابع متعددی گردآوری کرد و ارتباط و نسبت آن‌ها با روایت‌های معاصر یا گذشته‌شان را مورد ارزیابی قرار داد. با توجه به غنای ادبی روایت‌های فارسی و عربی که بسیاری از آن‌ها بر پایه پیشینه ادبیات پهلوی شکل گرفته‌اند، می‌توان به بسیاری از پرسش‌های تاریخی با محوریت مساله روایت پاسخ داد. بر این اساس واکاوی پشتوانه روایی بسیاری از شمایل‌ها را می‌توان از جمله مهم‌ترین و البته چالش‌برانگیزترین موضوعات باستان‌شناسی این دوران دانست.

بررسی مواد باستان‌شناسی دوران اسلامی نشان‌دهنده آن است که بر خلاف نگاره نادرست ممنوعیت عمومی نگاره‌های انسانی و حیوانی در این بازه زمانی، در گستره وسیعی از یافته‌ها «تصویر» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آثار گوناگون سفالین در سده‌های سوم و چهارم ه.ق، با تصاویر انسانی و حیوانی به دست ما رسیده است. سفالینه‌های سمرقند و نیشابور (Wilkinson, 1973: 44-53) که در شرق ایران تولید شده‌اند، نمایشگر انواع گوناگون نقوش حیوانی (اسب، گاو، پلنگ، قوچ، انواع پرندگان و موجودات افسانه‌ای) و همچنین انواع نقوش انسانی (در قالب‌هایی چون اسب‌سوار، در قامت جنگجو، بر تخت نشسته و در حال نواختن موسیقی) هستند. طیف وسیعی از یافته‌های باستان‌شناسی گواه گسترش استفاده از تصویر در سده‌های سوم تا پنجم ه.ق در گستره جغرافیایی ایران بزرگ

هستند، اما در سده‌های ششم تا هشتم ه.ق می‌توان از نوعی شکوفایی گسترده هنری در استفاده از تصویر در مواد فرهنگی سخن گفت. در این بازه زمانی نقوش گوناگون انسانی و حیوانی در انواع مواد فرهنگی به نمایش درمی‌آید. از جمله مهم‌ترین مضامین و موضوعات این نقوش انواع صحنه‌های شاهانه، صحنه‌های بزم و رزم و مضامین طالع‌بینانه است، اما می‌توان یکی از وجوه تمایز نگاره‌های سده‌های ششم تا هشتم ه.ق از نقوش سده‌های پیشین را گستردگی «نقوش روایی»، یعنی نگاره‌هایی که نمایشگر داستانی مشخص هستند، دانست. هرچند می‌توان در برخی آثار سده‌های پیشین نیز نمونه‌هایی از نقوش روایی یافت، اما به نظر می‌رسد در سده‌های ششم تا هشتم ه.ق افزون بر این که مضامین روایی از گستردگی و گوناگونی قابل توجهی برخوردار است، می‌توان از نوعی بلوغ ساخت روایی در مواد فرهنگی سخن گفت. در اینجا پرسشی اساسی قابلیت طرح می‌یابد و آن آن‌که این نقوش روایتگر کدام داستان‌ها هستند؟ به دیگر سخن، آیا می‌توان منبع یا منابع روایی مشخصی برای این نقوش مطرح کرد؟

پیش‌تر در پژوهش‌هایی که در مورد نقوش روایی سده‌های ششم تا هشتم ه.ق انجام شده، چستی روایی این نگاره‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در غالب موارد آشکار شده که هر کدام نمایشگر چه داستان‌هایی هستند. از جمله مهم‌ترین داستان‌های به نمایش درآمده در این مواد روایت‌هایی چون بهرام‌گور و آزاده، پیروزی فریدون بر ضحاک و بیژن و منیژه است. این روایت‌ها از جمله روایت‌هایی هستند که پیشتر در منابع حماسی ایرانی ثبت و ضبط شده‌اند و بیش از هر منبع دیگری داستان‌های شاهنامه فردوسی را به یاد می‌آورند. بر همین اساس در بسیاری از پژوهش‌ها و شناسنامه‌های آثار موزه‌ای، نقوش متعددی در این بازه

زمانی با عنوان «نقوش شاهنامه فردوسی» معرفی شده‌اند. باید توجه داشت که سرایش شاهنامه فردوسی در آغاز سده پنجم ه.ق پایان یافته و این نقوش بیش از یک سده بعدتر رواج می‌یابد. اکنون پرسش قابل تاملی که باید مطرح کرد آن است که آیا این روایت‌های تصویری را می‌توان قطعاً به شاهنامه فردوسی منتسب کرد یا به دیگر سخن این نقوش را می‌توان روایتگر داستان‌های شاهنامه فردوسی دانست؟

در پاسخ به پرسش میزان وابستگی و پیوستگی نگاره‌های حماسی مواد فرهنگی سده‌های ششم تا هشتم ه.ق به شاهنامه فردوسی، شایسته است شاهنامه فردوسی را در بستر تاریخی جریان ادبی سده‌های سوم تا پنجم ه.ق مورد بررسی قرار داد. در بررسی انواع روایت‌های دوران اسلامی، می‌توان شاهنامه ابوالقاسم فردوسی را مشهورترین متن ادبی شناخته شده دانست که در بخش‌های گوناگون خود، دربردارنده روایت‌های اساطیری، حماسی، تاریخی و ملی-پهلوانی است و در هزار سال اخیر بارها مورد بازنویسی یا اقتباس قرار گرفته است. روایت‌های شاهنامه فردوسی از اسطوره‌های نخستین ایرانی آغاز و از شاهان و پهلوانان افسانه‌ای و تاریخی می‌گذرد و به پادشاهی یزدگرد سوم و حمله اعراب می‌انجامد. هرچند این اثر را می‌توان منسجم‌ترین و دقیق‌ترین مجموعه از روایات و داستان‌های ایرانی دانست، اما عدم توجه به جریان ادبی و اجتماعی دوره سرایش آن می‌تواند پژوهش را دچار کاستی کند. شاهنامه فردوسی را باید نقطه اوج یک جریان در سده‌های چهارم و پنجم ه.ق دانست و آن فرایند ثبت و ضبط و گردآوری منظوم و منثور روایت‌های حماسی ایران است. قابل تأمل آن‌که بسیاری از این آثار دقیقاً با همین عنوان «شاهنامه» شناخته می‌شوند. چنان‌که پیش از فردوسی شاهنامه‌هایی

مانند شاهنامه مسعودی مروزی، شاهنامه ابو مؤید بلخی، شاهنامه ابوعلی بلخی، شاهنامه ابومنصوری و شاهنامه دقیقی توسی وجود داشته است. هرچند از این آثار بخش‌هایی کوتاه یا تنها یادی باقی مانده، اما مجموعه آن‌ها نشان‌دهنده یک اهتمام و جریان فرهنگی در این دو سده است. این جریان را می‌توان ادامه نهضتی دانست که در سده‌های دوم و سوم ه. ق به ترجمه گسترده متون پهلوی به زبان عربی پرداخت و بدین ترتیب بسیاری از روایات ایرانی از گزند فراموشی مصون ماند.

مساله‌ای که در بررسی شاهنامه فردوسی به عنوان یک منبع اصلی بایسته است به آن پرداخته شود، منبع خود این نوشتار است. هرچند بسیاری از پژوهشگران روایت‌های شفاهی را در تدوین شاهنامه فردوسی و دیگر شاهنامه‌ها منبع اصلی یا حداقل تأثیرگذار می‌دانند (مول، ۱۸۸۷؛ مری بویس، ۱۹۵۷ و ۲۰۰۲؛ دیویدسن، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۰؛ دیویس، ۱۳۷۷؛ یاماموتو، ۲۰۰۳؛ بهار، ۱۳۷۴ و ۱۳۸۱)، اما به نظر می‌رسد منبع اصلی شاهنامه فردوسی را باید منابع نوشتاری متعددی دانست که در بازه زمانی سده سوم و چهارم ه. ق وجود داشته است. با وجود آن‌که بسیاری از این آثار به دست ما نرسیده، اما به گواه پژوهش‌های راهگشای بسیاری از شاهنامه‌پژوهان می‌توان شاخص‌ترین منبع شاهنامه فردوسی و احتمالاً دیگر شاهنامه‌ها را خدای‌نامه یا خدای‌نامه‌های<sup>۱</sup> ساسانی دانست<sup>۲</sup> (نولدکه، ۱۳۲۷؛

۱. برخی از شاهنامه‌پژوهان معتقدند در سده سوم و چهارم هجری بیش از یک نسخه خدای‌نامه وجود داشته است.

۲. البته در مورد شاهنامه فردوسی موافقان مکتوب بودن منبع آن، متفقاً شاهنامه منشور ابومنصوری را منبع اصلی شاهنامه فردوسی می‌دانند و منبع شاهنامه ابومنصوری را خدای‌نامه یا خدای‌نامه‌های ساسانی می‌دانند. براین اساس خدای‌نامه‌های ساسانی به صورت غیرمستقیم منبع شاهنامه فردوسی است.

تقی‌زاده، ۱۹۲۱ و ۱۳۶۲؛ قزوینی، ۱۳۶۳؛ دویلوا، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۸؛ مینوی، ۱۳۴۶؛ خالقی مطلق، ۱۳۷۲ و ۱۹۹۸ و ۱۳۸۱ و ۲۰۰۹؛ امیدسالار، ۱۳۸۱ و ۲۰۰۲؛ آیدنلو، ۱۳۸۶). بر این اساس می‌توان اذعان کرد که روایت‌های شاهنامه فردوسی خود از روایت‌های نوشتاری دیگری اقتباس شده که اکنون تنها نشانه‌هایی اندک از آن‌ها به یادگار مانده است. افزون بر خدای نامه یا خدای نامه‌ها، روایت‌های مدون دیگری به زبان پهلوی وجود داشته که به زبان عربی ترجمه شده است (صفا، ۱۳۳۳: ۷۳؛ نولدکه، ۱۳۲۷: ۱۵). مهم‌ترین این آثار «سیرالملوک‌ها» است که در واقع ترجمه عربی خدای نامه‌های پهلوی هستند.<sup>۱</sup> در بازه زمانی سده‌های سوم تا پنجم ه. ق. افزون بر خدای نامه‌ها، سیرالملوک‌ها و شاهنامه‌های متعدد، روایت‌ها و داستان‌های دیگری نیز وجود داشته که تنها بخش محدودی از آن‌ها برای ما شناخته شده است. پیش از شاهنامه فردوسی، از وجود روایت‌هایی چون قصه ویس و رامین، عهد اردشیر، خسرو و شیرین و پیروزنامه اطلاعات اندکی در دست است، اما پس از شاهنامه فردوسی گرشاسپ‌نامه اسدی توسی، فرامرزنانه رفیع‌الدین مرزبان فارسی، کوش‌نامه و بهمن‌نامه ایرانشاه، شهریارنامه عثمان مختاری، آذربرزین‌نامه، بیژن‌نامه، داستان شبرنگ، برزننامه و سوسن‌نامه منسوب به خواجه عمید عطاری رازی، راتشت‌نامه (زرتشت اسپیدمان)، داراب‌نامه، بانوگشسب‌نامه و جهانگیرنامه از مهم‌ترین روایات حماسی و پهلوانی نوشتاری هستند. افزون بر این در بسیاری از منابع از اصطلاحاتی استفاده می‌شود که اشاره به کتبی دارد که در آن‌ها روایات کهن ایرانی گردآوری شده که در حال

۱. مهم‌ترین مترجم خدای نامه‌ها ابن مقفع بوده است، اما نویسندگان دیگری نیز به ترجمه خدای نامه‌ها اهتمام ورزیده‌اند که می‌توان به محمد جهم برمکی، زادویه شاهویه اصفهانی، محمد بهرام مظیار (مهران) اصفهانی، هشام قاسم اصفهانی و بهرام مردانشاه موبد شاپور فارس اشاره کرد (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۵).

حاضر اطلاعاتی از آن‌ها در دست نیست. بسیاری از نویسندگان از عباراتی چون کتب پارسیان (نرشخی، ۱۳۵۱: ۱۹؛ مجمل‌التواریخ، ۱۳۱۸: ۳-۲)، کتب خرافات (همان، ۲۷)، کتاب‌های دارس (همان: ۳۸) و کتاب‌های کهن (همان، ۶۷) استفاده می‌کنند. فردوسی نیز در بخش‌های مختلف شاهنامه از عباراتی چون نامه باستان، نامه خسروان، نامه شهریار، دفتر پهلوان و دفتر پهلوی استفاده می‌کند که مشخصاً اشاره به منابعی نوشتاری دارد که منبع روایات او قرار گرفته است.

براین اساس هنگامی که شاهنامه فردوسی در بافت اجتماعی و ادبی دوره خود مورد بررسی قرار گیرد، آشکار است که هرچند فردوسی منسجم‌ترین روایت از داستان‌ها و حماسه‌های ایرانی را تنظیم کرده، اما یگانه راوی نبوده بلکه می‌توان گفت در سده‌های سوم تا پنجم ه.ق نهضتی ادبی برای انسجام، تدوین و گردآوری روایت‌های حماسی ایران شکل گرفته بوده که توجه اصلی آن‌ها به روایات باستانی ایران پیش از دوران اسلامی و منابع پهلوی بوده و شاهنامه فردوسی را باید یکی از ده‌ها اثر نوشتاری در این باره به شمار آورد. طی این سه سده بسیاری از روایت‌های ایرانی از منابع گوناگون گردآوری شد و آثار متعددی نوشته شد که تنها شوربختانه بخش‌های کوتاهی از آن‌ها یا حتی تنها نام و یاد آن‌ها باقی مانده است. در این میان شاهنامه فردوسی با وجود اعمال تغییرات و حذف و الحاقات گسترده، از گزند تاریخ جان سالم به در برده است و قطعاً اگر اهتمام نویسندگان و هنرمندان در دوره‌های پسین‌تر فردوسی نمی‌بود، این اثر نیز سرنوشتی جز دیگر آثار فراموش شده نمی‌داشت. بدین ترتیب می‌توان در انتساب قطعی روایت‌های تصویری سده‌های ششم تا هشتم ه.ق به شاهنامه فردوسی تردید کرد. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی و گوناگونی روایت‌های حماسی در سده‌های سوم تا



هشتم ه.ق شایسته است، نگاره‌های حماسی مورد بحث به دقت مورد بررسی و مطابقت با روایت فردوسی و دیگر روایت‌های نوشتاری قرار گیرند تا انتساب این روایت‌های تصویری به شاهنامه فردوسی به بوته نقد و راستی‌آزمایی گذاشته شود. بنابراین مهم‌ترین مساله این پژوهش بررسی میزان وابستگی و پیوستگی روایت‌های تصویری سده‌های ششم تا هشتم ه.ق با روایت شاهنامه فردوسی است.

مهم‌ترین مساله این پژوهش هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم کهن‌ترین نسخه‌های مصور شناخته شده از شاهنامه فردوسی به نیمه نخست سده هشتم ه.ق، یعنی حدود سه سده پس از سرایش شاهنامه، تعلق دارند و همین مساله توجه بسیاری از پژوهشگران را به نگاره‌های سده‌های ششم و هفتم ه.ق به عنوان مصادیقی از روایت تصویری شاهنامه و یا نشانه‌هایی برای احتمال وجود نسخه‌های مصور شاهنامه در این بازه زمانی جلب کرده است. قدیمی‌ترین نسخه‌های دست‌نویس شناخته شده شاهنامه فردوسی، نسخه فلورانس و نسخه موزه بریتانیا است که به ترتیب متعلق به سال‌های ۶۱۴ ه.ق و ۶۷۵ ه.ق است. البته در این بین نباید از نسخه ارزشمند شاهنامه بُنداری گذشت که ترجمه شاهنامه به زبان عربی است و به سال ۶۲۴ ه.ق متعلق است. این مساله که آیا در بازه زمانی بیش از دویست ساله از پایان سرایش شاهنامه تا نگارش نسخه فلورانس نسخ دیگری نیز وجود داشته یا نه، بحث‌های فراوانی مطرح است اما نکته‌ای که در بحث کنونی اهمیت دارد آن است که این نسخ اولیه هیچ کدام مصور نیستند. با وجود این، از آغاز سده هشتم ه.ق نسخه‌های متعدد مصور از شاهنامه فردوسی

شناخته شده است. سه نسخه معروف به شاهنامه‌های کوچک (حدود ۷۰۰ ق)¹، شاهنامه بزرگ ایلخانی یا دموت (حدود ۷۳۶-۷۳۰ ق)²، شاهنامه سن پترزبورگ (۷۳۳ ق)، شاهنامه متروپولیتن (۷۳۰ تا ۷۴۰ ه. ق)، شاهنامه پراکنده شده آلبوم دیتس در برلین (۷۳۰ ق)، شاهنامه توپقاپی سرای (۷۳۱ ق)، شاهنامه استیونز (۷۴۰ یا ۷۵۳ ه. ق)، شاهنامه ۷۴۱ ه. ق (تکه تکه و پراکنده شده) و شاهنامه کاما (تکه تکه شده)³ از جمله شاهنامه‌های مصوری هستند که در نیمه نخست سده هشتم ه. ق تولید شده‌اند. البته باید تاکید کرد که از سده هشتم ه. ق تا دوره معاصر نسخ مصور شاهنامه به گستردگی تولید شده‌اند و بخش مهمی از هنر دوران اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند.

در اینجا پرسش مهمی که مورد بحث بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته آن است که آیا در بازه زمانی تقریباً سیصدساله از پایان سرایش شاهنامه تا آغاز سده هشتم ه. ق نسخ مصور دیگری وجود داشته یا خیر؟ برای پاسخ درخور به این پرسش ذهن بسیاری از پژوهشگران به روایت‌های تصویری مواد فرهنگی سده‌های ششم

۱. سیمپسون این سه نسخه را قدیمی‌ترین نسخه‌های مصور موجود شاهنامه می‌داند و تاریخی حدود ۷۰۰ هجری برای آن‌ها پیشنهاد می‌کند (Simpson, ۱۹۷۹: ۲۲۴-۲۳۱).

۲. البته به باور شیلا بلر طراحی و اجرای اولیه این شاهنامه مشهور در دهه نخست سده هشتم ه. ق انجام شده است (بلر، ۱۳۸۸: ۷۲ و ۸۷).

۳. برخی پژوهشگران این شاهنامه تکه تکه شده و کمتر شناخته شده را بر اساس سبک نگاره‌ها به دوره سلجوقی منتسب کرده‌اند (شریف‌زاده، ۱۳۹۲؛ غروی، ۱۳۵۲). اما ماریانا شریو سیمپسون این شاهنامه را هم از جمله شاهنامه‌های دوره ایلخانی برمی‌شمارد و حتی با در نظر گرفتن آن همچنان سه نسخه شاهنامه کوچک را قدیمی‌ترین شاهنامه‌های مصور شناخته شده معرفی می‌کند (سیمپسون، ۱۳۸۸: ۲۲). با توجه به آن که تنها چند نگاره از این نسخه منتشر شده و اظهار نظر دقیق در مورد قدمت آن نیاز به پژوهش‌های بیشتر دارد و در حال حاضر دقیقاً مشخص نیست این شاهنامه در دست کدام مجموعه‌دار خصوصی است، نگارنده تا انجام پژوهش‌های بیشتری نتواند تعلق این نسخه به دوره سلجوقی را بپذیرد.

و هفتم ه.ق معطوف شده است. از آن جهت که این نگاره‌ها نمایشگر روایت‌هایی هستند که در شاهنامه فردوسی نیز آمده، در برخی پژوهش‌ها به عنوان مصادیقی از روایت تصویری شاهنامه و یا نشانه‌هایی برای احتمال وجود نسخه‌های مصور شاهنامه در این بازه زمانی در نظر گرفته شده‌اند. به نظر می‌رسد در بسیاری از این پژوهش‌ها این انگاره بدیهی انگاشته شده که این نقوش نمایشگر روایت فردوسی هستند و سپس این پرسش مطرح شده که چگونه بر اساس آن‌ها می‌توان در مورد احتمال وجود نسخه‌های مصور دیگری از شاهنامه فردوسی در سده‌های ششم و هفتم ه.ق استدلال کرد.

بر اساس آنچه تا اینجا گفته شد و با نگاهی کلان‌تر تعاقبی منطقی و تاریخی در این سه جریان ادبی و هنری دیده می‌شود: در سده‌های سوم تا پنجم ه.ق می‌توان از نهضتی ادبی در گردآوری و ثبت نوشتاری روایت‌های حماسی سخن گفت که شاهنامه فردوسی بر فراز این جریان رخ می‌نماید؛ سپس در سده‌های ششم و هفتم ه.ق می‌توان به گواه یافته‌های باستان‌شناختی به ثبت بسیاری از روایت‌های حماسی در قالب تصویر بر انواع مواد فرهنگی اشاره کرد و در ادامه از ابتدای سده هشتم ه.ق، یا به عبارتی سه سده پس از سرایش شاهنامه، با آغاز سنت مصورسازی شاهنامه فردوسی روبرویم. به دیگر سخن روایت‌های تصویری سده‌های ششم و هفتم ه.ق از یک سو با شاهنامه فردوسی و از دیگر سو با شاهنامه‌های مصور سده هشتم ه.ق در پیوند هستند. با وجود آن که در نگاه نخست به نظر می‌رسد این سه جریان در پیوند با یکدیگر و از پس هم ایجاد شده‌اند، اما در این تعاقب منطقی انگاره‌هایی مسلم فرض شده‌اند که شایسته است در آن‌ها با دیده تردید نگریم و حال آن که این تردید می‌تواند ناقض این رابطه علت و معلولی و تعاقب منطقی

باشد. پژوهش حاضر دقیقاً از تردید در مورد همین انگاره‌ها آغاز می‌شود. نخستین انگاره آن است که روایت‌های تصویری منقش بر مواد فرهنگی سده‌های ششم تا هشتم ه.ق نمایشگر داستان‌های شاهنامه فردوسی هستند یا به عبارتی دیگر منبع روایی آن‌ها شاهنامه فردوسی است. دود دیگر آن که روایت تصویری حماسه ملی ایران پیش از سده ششم ه.ق آن‌چنان مورد توجه نبوده و پس از نهضت ادبی گردآوری روایت‌های حماسی در سده‌های سوم تا پنجم ه.ق و به ویژه پس از سرایش شاهنامه رواج می‌یابد. نگارنده در این کتاب در صدد آن است که با تردید در هر دو انگاره پیشین، این فرضیه را اثبات کند که روایت‌های تصویری نقش بسته بر انواع مواد فرهنگی سده‌های ششم تا هشتم ه.ق از لحاظ پشتوانه روایی قطعاً و لزوماً برگرفته از شاهنامه فردوسی نیستند بلکه باید آن‌ها را در گستره هنری وسیع‌تری مورد تحلیل قرار داد. بدین منظور برای رسیدن به نتیجه‌ای روشن و مستدل، بایسته است این روایت‌های تصویری در مقایسه با روایت نوشتاری شاهنامه فردوسی و همچنین دیگر منابع نوشتاری حماسی و تاریخی سنجیده و تحلیل شوند. افزون بر این برای به نقد کشیدن انگاره دوم می‌بایست نگاره‌های حماسی پیش از سده ششم ه.ق یا مشخصاً پیش از سرایش شاهنامه فردوسی گردآوری شده و روایت‌های تصویری سده‌های ششم تا هشتم ه.ق در مقایسه با آن‌ها سنجیده شود. فرضیه نگارنده آن است که روایت‌های تصویری حماسه ملی ایران پیش و پس از سرایش اثر سترگ فردوسی به هم پیوسته است و باید به آن به عنوان روایت‌هایی مستقل نگریست. نگارنده در این کتاب این روایت‌های تصویری حماسه ملی ایران از دوره ساسانی تا سده هشتم ه.ق را تحت عنوان «روایت‌های شاهنامه‌ای» مورد بررسی قرار می‌دهد.

عبارت «روایت‌های شاهنامه‌ای» برای نگاره‌های مربوط به حماسه ملی ایران، چه پیش از سرایش شاهنامه فردوسی و چه پس از آن، از آن جهت انتخاب شده است که مختصات روایی این نقوش با روایت شاهنامه فردوسی شباهت دارد. البته باید توجه داشت که این گزاره به معنای انتساب این نقوش به شاهنامه فردوسی نیست. در این اطلاق، معنای عام شاهنامه مورد توجه است. در تبیین این معنا شایسته است یادآوری شود که هرچند واژه شاهنامه در پژوهش‌های امروزی تبدیل به یک واژه خاص برای منظومه ابوالقاسم فردوسی شده، اما در زمانه خلق این اثر واژه‌ای عام برای گونه‌ای از مکتوبات (منظوم و منثور) بوده است. چنان که پیشتر گفته شد، تنها بر اساس دانسته‌های موجود می‌دانیم پیش از فردوسی شاهنامه مسعودی مروزی، شاهنامه ابومؤید بلخی، شاهنامه ابوعلی بلخی، شاهنامه ابومنصوری و شاهنامه دقیقی توسی وجود داشته که البته در این میان تنها شاهنامه فردوسی به صورت کامل به دست ما رسیده و احتمالاً شاهنامه‌های دیگری نیز وجود داشته که نه متنی و نه یادی از آن‌ها باقی نمانده است. بدین ترتیب گزاره «روایت‌های شاهنامه‌ای» در این پژوهش مفهومی اعم از شاهنامه فردوسی را در پس واژگان دارد.

مواد مورد بررسی در این پژوهش تمام یافته‌های باستان‌شناختی در حوزه ایران فرهنگی است که منقش به روایت‌های شاهنامه‌ای است. باید توجه داشت که تاکید اصلی پژوهش بر مواد فرهنگی سده‌های ششم تا هشتم ه.ق است، اما همان‌گونه که گفته شد، برای سنجش فرضیه اصلی بایسته است دیگر مواد فرهنگی که پیش از این بازه زمانی آفریده شده و نمایش‌دهنده روایت‌های شاهنامه‌ای هستند، توصیف و تحلیل شوند. از دیگر سو، نسخه‌های مصور شاهنامه فردوسی جزو مواد اصلی پژوهش

نیستند و از آن‌ها تنها برای مقایسه و مطابقت در بخش‌هایی از پژوهش استفاده شده است. این مساله به این دلیل است که نگاره‌های شاهنامه فردوسی همراه با نوشتار و با هدف تزئین آن هستند و هویتی وابسته به روایت نوشتاری پیش و پس از خود دارند. بنابراین سخن از وابستگی و پیوستگی آن‌ها به شاهنامه بیهوده است. در این پژوهش مواد مورد بررسی روایت‌هایی تصویری هستند که مستقل از نوشتار هستند و بر اساس نشانه‌های تصویری می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد. نگاره‌هایی که بر ظروف سفالین، کاشی‌ها، ظروف و اشیای فلزی، دیوارنگاره و پارچه‌های ابریشمین نقش بسته است. در این میان، ظروف و کاشی‌های مینایی و پس از آن ظروف و کاشی‌های زرین فام از بیشترین فراوانی برخوردارند. قابل تأمل آن‌که دوره اوج و شکوفایی آثار مینایی و زرین فام در همین بازه زمانی سده‌های ششم تا هشتم ه.ق است. بدون تردید آثار متعدد دیگری نیز منقش به این روایت‌های تصویری وجود داشته که از گزند تاریخ جان به در نبرده که برای بررسی جامع‌تر شایسته است منابع و استنادهای نوشتاری نیز در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد.

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش مرتبط به همین مواد فرهنگی مورد بررسی است. به جز چند نمونه اندک که غالب آن‌ها هم مربوط به روایت‌های شاهنامه‌ای پیش از سرایش شاهنامه است، غالب مواد این پژوهش خارج از بافت باستان‌شناختی به دست آمده و تقریباً هیچ اطلاعاتی در مورد محل کشف یا لایه باستان‌شناسانه آن‌ها در دست نیست. به جز چند اثر تاریخدار، حتی دوره ساخت دقیق بسیاری از آثار آشکار نیست و تنها بر اساس تاریخ‌گذاری نسبی و مقایسه با نمونه‌های تاریخدار دوره تقریبی تولید آن‌ها مشخص شده است. بسیاری از آثار اصطلاحاً آثار موزه‌ای هستند و از حراجی‌ها یا مجموعه‌های خصوصی خریداری

شده‌اند و به همین دلیل مجهولات و تردیدهای فراوانی در مورد مکان و زمان تولید و حتی در مواردی اصالت آن‌ها وجود دارد. به همین دلیل طرح بسیاری از موضوعات، به ویژه در مورد بافت اجتماعی و سیاسی تولید این مواد فرهنگی، بسیار دشوار یا ناشدنی بود. همچنین در این پژوهش از میان آثار متعدد تنها به نمونه‌هایی اشاره شده که نگارنده در مورد اصالت آن‌ها تردید کمتری دارد.

پژوهش حاضر در چهار فصل تدوین یافته که در فصل نخست در مورد مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات پژوهش بحث شده و در ادامه با بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط، مهم‌ترین کاستی‌های پژوهش‌های پیشین و بر اساس آن اهداف اصلی این پژوهش تبیین شده است. در فصل دوم پیشینه روایت‌های تصویری شاهنامه‌ای پیش از فردوسی مورد بررسی قرار گرفته و در فصل سوم مجموعه‌ای از نقوش روایت‌های شاهنامه‌ای ایران پس از فردوسی و اختصاصاً در سده‌های ششم تا هشتم ه.ق توصیف و طبقه‌بندی شده و همچنین با روایت‌های نوشتاری موجود و به ویژه شاهنامه فردوسی مطابقت داده شده و میزان وابستگی و پیوستگی هر روایت تصویری به روایت نوشتاری جداگانه بررسی شده است. در فصل پایانی نیز روایت‌های تصویری سده‌های ششم تا هشتم ه.ق در مجموعه‌ای گسترده‌تر مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرند و پیوندهای این روایت‌های تصویری با دو مجموعه نگاره‌های روایی دیگر شامل نگاره‌های روایی و حماسی دوره ساسانی و پنج سده نخستین دوران اسلامی و همچنین نسخه‌های مصور شاهنامه فردوسی در سده هشتم ه.ق بررسی و تحلیل شده و به صورت گسترده در مورد مهم‌ترین مساله این پژوهش که میزان وابستگی و پیوستگی روایت‌های تصویری سده‌های ششم تا هشتم ه.ق به شاهنامه فردوسی است، بحث شده است.